

نامنامه یا خامنامه؟ (شمشیر دولبه کتابچه نامهای تورکمنی)

چندیست در سایتهای انترنیتی، خبر و مصاحبه مخابر رادیو "دویچه وله" با دو نفر از «کارشناسان» ادراه ثبت احوال استان "گلستان" پیرامون چگونگی حل مسئله انتخاب نام برای فرزندان معصوم تورکمن و نوشتن کتابچه مجوز برای نامهای ترکمنی خواندم که مرا سخت به تفکر واداشت و سئوالات نگران کننده چندی را به ذهنم متبادر کرد، که لازم دانستم با افکار عمومی خوانندگان در میان بگذارم. اما برای اینکه خوانندگان عزیز بدانند که اصل مسئله و علت نگرانی من چیست، نخست اصل مطلب را عینا در زیر می آورم:

یکم- اصل مصاحبه (خطوط زیر برخی کلمات و جملات از من می باشد، ب. گری):

جامعه / حقوق 14.10.2010 |

"من و ثبت احوال و دختری بی نام"

ترکمن ها اجازه دارند از نامهای قدیمی و سنتی خود که فقط در کتابچهی ثبت احوال ایران قرار است چاپ شود، استفاده کنند. دویچهوله این مشکل ترکمن های ایران را با دو کارشناس ادراهی ثبت احوال مطرح کرد.

بحث بر سر نامگذاری نوزادان ترکمن در ایران یکی از مشکلاتی است که دامنه‌ی آن از رسانه‌های محلی به برخی از روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های در سطح کشور کشیده شده است. اکنون سال‌هاست در صفحات اجتماعی روزنامه‌های چاپ تهران نیز پیرامون این مشکل مطالبی نوشته می‌شود. برای مثال این موضوع در مقاله‌ای به قلم نویسنده و شاعر فقید ترکمن "ناز محمد پقه" تحت عنوان "من و ثبت احوال و دختری بی‌نام" در نشریه‌ی "زن" چنین انعکاس یافته بود: «در این گوشه از سرزمین ما، قوم ترکمن هنوز هم برای به دست آوردن حقوق مشروع و قانونی با سازمان ثبت احوال درگیر است. چرا که این سازمان با تدوین کتابچه‌ای از نام‌ها، امکان گسترش فرهنگ نامگذاری بین این قوم را سلب نموده است».

مشکل نامهای ترکمنی در ایران

مقاله‌ی نشریه "زن" به سرنوشت یک شهروند اشاره می‌کند که به مدت ۳ سال تلاش کرده بود برای دخترش نامی را انتخاب کند. وی به این نشریه می‌گوید: «الان دخترم سه ساله است ولی هنوز نتوانسته‌ام برای او شناسنامه بگیرم. من می‌خواهم اسم دخترم را "آیسودا" بگذارم، آیسودا یعنی "تصویر ماه در آب". ولی اداره ثبت احوال و رئیس آن را هنوز نتوانسته‌ام متقاعد کنم. تقاضای کتبی دادم، اما تهران نیز با این اسم موافقت نکرد. اکنون "من و ثبت احوال و این دختر بی نام!"».

نشریه‌ی "زن" در پایان مقاله خود آورده است: «این مسئله بحث هم‌روزه‌ی قوم ترکمن است با سازمان ثبت احوال و ادارات متبوع آن در منطقه ترکمن نشین».

"کتابچه‌ی نام ترکمنی ثبت احوال مشکل را حل می‌کند"

اما اکنون مسئولان اداره ثبت احوال قصد دارند کتابچه‌ی نامهای ترکمنی انتشار دهند. عبدالنور بهلکه‌زاده، کارشناس سابق ثبت احوال گنبدکاووس در گفتگو با دویچه‌وله می‌گوید: «آرزوی دیرینه‌ی قوم ترکمن در حال تحقق پیدا کردن است. در قدم اول بیش از ۳ هزار واژه نام ترکمن از سوی اداره ثبت احوال استان گلستان استخراج شده و در ادامه‌ی آن در چاپ‌های بعدی این کتابچه به تعداد نام‌ها اضافه خواهد شد».

پیش از این در پاسخ به درخواست ترکمن‌ها مسئولان مجبور بودند بر طبق آئین‌نامه‌های اجرایی سازمان ثبت و احوال کشور اقدام کنند. اما به‌نظر بهلکه‌زاده، انتشار کتابچه نامهای ترکمنی می‌تواند مشکل نامگذاری ترکمن‌ها را حل کند.

تاسیس "کمیته مشورتی نامهای ترکمنی"

سیف‌الله ابوترابی مدیرکل ثبت احوال استان گلستان نیز در گفتگو با ایرنا از تشکیل "کمیته نام و تدوین نامهای ترکمنی" به منظور تهیه‌ی کتاب نامهای ترکمنی خبر داد. وی تشکیل این کمیته را "یک کار نو و ابتکاری" دانست. این مقام استان گلستان به خبرگزاری ایرنا گفت: «در این مدت ۵ هزار و ششصد نام مصطلح و متعارف ترکمنی استخراج شده است. نام‌های "مارال" به معنای "آهو"، "آی گزل" به معنای "دختر زیبا" و "آیلار" به معنای "مانند ماه" در زنان و "تایماز" به معنای "استوار و پابرجا" در بین مردان را از جمله نام‌های متعارف ترکمنی عنوان است که از گذشته تا به حال در نام‌های انتخابی والدین برای فرزندان بوده و هستند».

«نام ترکمنی بدون دلیل و منطق رد نمی‌شود»

محمود قلیشلی، کارشناس امور سجلی و دبیر "کمیته نام" در ثبت احوال استان گلستان در رابطه با کتابچه‌ی نام‌ها چنین توضیح می‌دهد: «اداره ثبت احوال در مورد نام‌گذاری دو روش دارد. یکی کتابی هست که کل نام‌های ایرانی در آن آمده و مجاز هست ولی سازمان ثبت احوال کشور با توجه به فرهنگ مناطق خودش آمده یک کمیته‌ای را انتخاب کرده که نام‌های منطقه‌ای را انتخاب می‌کند. اینها نام‌های مناطق را بررسی می‌کنند. اداره‌ی ثبت احوال با انتخاب نام‌های ترکمنی مخالفتی نمی‌کند.»

دبیر کمیته نام اداره ثبت احوال گلستان همچنین می‌گوید: «علاوه بر آن ما مجموعه‌ی نام‌های ترکمنی را با معنا و مفهومش جمع آوری کردیم و به "شورای عالی نام‌گذاری" در تهران فرستادیم. این را باید شورا تصویب کند. با مراجعه به این کتابچه تصمیم گرفته می‌شود که اسمی داده شود یا خیر. تا انتشار این کتابچه "کمیته نام" ما فعال هست و به کسی که نام ترکمنی بخواهد بدون دلیل و منطق آن را رد نمی‌کنیم.»

«کتابچه نام‌های ترکمنی ۹۵ درصد مشکلات را حل می‌کند»

این مقام اداره ثبت احوال استان گلستان درباره‌ی معیار انتخاب نام‌های ترکمنی هم چنین توضیح می‌دهد: «ما به روسای اداره‌های ترکمن‌نشین نامه دادیم که هر اسم ترکمنی که هست برای ثبت احوال بفرستند. ما بدنبال این هستیم که تنش‌ها و مشکلات کمتر شود. "کمیته نام" ۹۵ درصد از این مشکل را حل کرده است.»

آقای قلیشلی در رابطه با مشکلات نام‌گذاری چنین مثال می‌آورد: «مثلا کسی می‌آید نام "بی‌بی آمان" را انتخاب می‌کند. ما می‌گوییم که این بی‌بی کلمه زائدی هست و ترکمنی نیست و شما قاطی اسم نکنید. مثلا "آمان‌نیاز" هست ما این اسم را قبول می‌کنیم. این بچه که فردا بزرگ شود، اولین کاری که می‌کند "بی‌بی" را حذف می‌کند، چون به نظر ما "بی‌بی" کلمه‌ی زائدی است. یک سری چنین مشکلاتی داریم ولی مشکل کلی خومان حل شده است. یعنی همه‌اش اسامی ترکمنی اینجا بررسی نمی‌شد و یا ضعیف بررسی می‌شد و متقاضی ناراضی بود ولی الان مشکلی نداریم. زیرا "کمیته مشورتی نام ترکمنی" راه‌اندازی کردیم و به کمک اساتید ترکمن مشکلات را حل و فصل می‌کنیم.»

معیار انتخاب نام‌ها چگونه بوده است؟

آقای بهلکه‌زاده، کارشناس سابق ثبت احوال گنبد کاووس هم درباره‌ی معیار انتخاب نام‌های ترکمنی به دویچه‌وله توضیح می‌دهد. وی می‌گوید که کارشناسان ثبت احوال و همکاران ترکمنی که در این رابطه مطالعه داشتند و صاحب‌نظران محلی که در ادبیات ترکمن و همچنین در معنا، مفهوم، فراوانی و کاربرد این نام‌ها مطالعاتی داشتند، این نام‌ها را انتخاب می‌کنند. وی خاطر نشان می‌کند که نام‌هایی انتخاب می‌شوند که با معیارهای قانونی نظام جمهوری اسلامی همخوانی دارند.

از نظر بهلکه‌زاده، مردم اقدام ثبت احوال استان گلستان را مثبت ارزیابی می‌کنند. قلیشلی کارشناس امور سجلی و دبیر "کمیته نام" در ثبت احوال استان گلستان هم این نظر را تأیید می‌کند.

وی در این رابطه می‌گوید: «علاوه بر حل شدن مشکلات عمومی حتی مشکلات اداری هم حل شده است. متقاضی بایستی ده‌ها بار مراجعه می‌کرد و وقت اداری ما را هم می‌گرفت و بالاخره یا قانع می‌شد و یا قانع نمی‌شد، ولی اکنون به کمک "کمیته نام" و "کمیته مشورتی نام ترکمنی" که درست کردیم، مشکلات اداری و قانونی برای متقاضی حل شده است.»

طاهر شیرمحمدی

دوم- نقد مسئله:

1- انتخاب نام برای فرزندان، از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق هر انسانی در روی این کره خاکی میباید و در هیچ کشوری (جز دوسه استثنا) با ممانعت روبرو نمی‌شود. مثلا تورکمنها و منصوبین به دیگر ملت‌هایی که در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا و ترکیه زندگی می‌کنند، در انتخاب نام برای فرزندان خود آزادی کامل دارند و با کوچکترین ممانعتی از سوی ادارات ثبت احوال این کشورها روبرو نمی‌شوند. حال چرا در جمهوری اسلامی ایران این حقوق ابتدایی و بدیهی برای غیر فارسی‌زبانان یا گذاشته می‌شود؟! این خبر بسیار دردناک و با معیارهای جهانی امروز مضحک است که یک انسان برای انتخاب نام برای جگرگوشه اش 3 سال سرگردان باشد و دوندگی کند و این مسئله آنچنان برای مسئولین مملکتی مهم باشد که مسئولین استان گلستان و حتی تهران با آن مخالفت کنند؟! این در حال است که در مواد 15 و 19 قانون اساسی جمهوری اسلامی، برخلاف نظام ستمشاهی، نه فقط نامگذاری برای فرزندان، بلکه تحصیل به زبان مادری غیر فارسی‌زبانان نیز به رسمیت شناخته شده است. پرسیدنی است که مسئولین ثبت احوال ترکمن‌نصحرأ بر اساس کدام حق قانونی به چنین تشبثات زشت و عجیب دست می‌زنند!؟

2- مگر نه اینست که هر پدر و مادری نهایت سعی خود را می کنند تا بهترین و زیباترین نامها را برای جگرگوشگان خود انتخاب کنند؟ در این صورت دخالت مامورین حکومتی چه معنی دارد؟! آیا این آقایان خود را عقل کل و ملت ما را ناقص العقل و یا ناقص الخلقه میدانند؟! یا دایه مهربان تر از مادرند؟!

3- "ترکمنها اجازه دارند از نامهای قدیمی و سنتی خود که "فقط" در کتابچهی ثبت احوال ایران قرار است چاپ شود، استفاده کنند؟!". اگر مخبر دویچه وله این جمله را عینا از دهان مسئولین ثبت احوال شنیده باشد، باید گفت که کلمه "فقط" در اینگونه موارد بیانگر مدعایش ترین و زنده ترین نیات دیکتا توری است که در قرن بیست و یکم، کاربرد ی دارد. امیدوارم که این یک اشتباه لپی باشد. بویژه در این مورد یک فرد و یا یک هیئت کوچکترین حق و شایستگی آنها ندارند که بگویند "فقط" این نامها ترکمنی است و باید باشد!

4- آیا در قرآن مجید (سوره الحجرات آیه 13) نیامده است که « یا ایهاالناس انا خلقناکم ذکرا و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر ». بنابراین، آیا اقدام در جهت نابودی تدریجی زبان و فرهنگ و هویت اقوام غیر فارس تا حد نابودی نامهای خاص اشخاص و حتی نامهای جغرافیایی سرزمینهای آباء و اجدادی آنان از سوی قوم حاکم فارس بر ایران، برخلاف مشیت الهی نیست؟! از خوانندگان این نوشته تقاضا دارم اگر در قرآن مجید آیه ای چون: "یا بنی فارس انی فضلکم علی العالمین" موجود باشد، با دادن آدرس آن، بنده را قرین منت خود نمایند تا از شک و تردید نجات یابم.

5- آقای قلیشلی که زبان و فرهنگ ترکمنی را نمی داند و یا احتمالا آشنایی مختصری دارد چطور به خودش اجازه فتوا می دهد که یکی از قدیمی ترین و معمولترین نامهای ترکمنی چون "بی بی" یعنی "خانم محترم" را غیر ترکمنی اعلام می کند؟! بقول معروف "سالی که نکوست از بهارش پیداست!". کمیته ای که زیر نظر قلیشلی ها باشد، پرواضح است که چه بر سر نامهای ترکمنی خواهد آورد. حتی ایشان از سوی جوانان ترکمن فتوی می دهند که: در اولین فرصت این نامها را عوض می کنند؟! (در حقیقت می فرمایند که باید عوض کنند!). در عین حال جمله ایشان بیانگر جوی حاکم بر جامعه ایران از 1304 شمسی تا به امروز است.

6- بهترین و شایسته ترین و قانونی ترین کمیته، مردم خود هر ملتی است و بهترین خدمت در این عرصه آزاد گذاشتن آنان در انتخاب نام برای جگرگوشگانشان، و دست برداشتن از سر پروردشان می باشد. بویژه در فرهنگ ترکمنی انتخاب نام همچون اعتقادات مذهبی امری پر مسئولیت و مقدس محسوب می شود. ترکمنها اعتقاد دارند باید نام پدران و نیاکان خود را زنده نگاه دارند. بهمین جهت برای اولین فرزندان خودشان، نام مادر بزرگ، پدر بزرگ و یا پدر و مادر متوفی خود را می گذارند، و آنها وظیفه ای مقدس می دانند. این فرهنگ از صدها و حتی هزاران سال پیش برجای مانده است. بنابراین قدمت تاریخی بسیاری از اسامی ترکمنی به چند هزار سال پیش برمی گردد. مثلا نامهایی چون "آنا"، "آناقولی"، "تانگری قولی" (بصورت لو دینگیر) و نامهای جغرافیایی و طایفه ای چون "کونگور، قونگور" (بصورت کنگر)، "ارک قالا" (بصورت ارک) در گل نوشته های سومری متعلق به پنجهزار سال پیش موجود است، قومی که بنا به تحقیقات باستانشناسی و تاریخی از ترکمنستان به بین النهرین کوچیده و خط میخی را ایجاد کرده اند. نامهای شخصی و جغرافیایی چون "قافا"، "آرتیق"، "آرتا"، "هومای" (و بصورت اوما ای الهه مادر و حافظ نوزادان در باورهای باستانی ترکان)، "یامپی" (بصورت هامپی) و نامهای طوایف مانند داز (بصورت داه و داس) و "پار"، در نوشته های مربوط به دوران پارت (اشکانیان) موجود می باشد. بدین جهت دانشمندان معتقدند که اسامی خاص اعم از اسامی اشخاص و یا جغرافیایی منبع و معیار مهمی جهت روشن کردن تاریخ و گذشته فرهنگی و زبان هر ملتی است. بنابراین از بین بردن آگاهانه و یا ناآگاهانه هر نام خاص قدیمی اعم از اسامی اشخاص، اسامی طوایف و نیز نامهای جغرافیایی خیانت به تاریخ و فرهنگ هر ملتی، و در معیار جهانی خیانت به فرهنگ بشری است، و در برخی از کشورها از سوی نژادپرستان تنگ نظر بطور آگاهانه و مودیانه پیش برده می شود.

7- تنظیم "کتابچه ی نام" شمشیر دولبه ایست. یعنی اگر هدف از این اقدام با حسن نیت و غنی تر کردن زبان یک ملتی باشد البته که کاری مفید و پسندیده و قابل حمایت ی خواهد بود. اما این کار در حد توان و شایستگی یک فرهنگستان است که از سوی افراد متخصص و تحصیل کرده در رشته های مورد نظر تشکیل شده باشد. نه کار قلیشلی ها و یا کمیته ای که اعضای آن احتمالا حتی 6 کلاس به زبان مادری خود تحصیل نکرده اند و امکانات تحقیقات آماتوری برای آنان نیز بسیار محدود میباشد. مثلا فرهنگستان زبان فارسی طی صد سال گذشته جهت تقویت و غنی تر کردن این زبان ضعیف، با صرف بودجه های کلان، صدها لغت جدید ساخته و به کمک رسانه های گروهی جا اندخته اند. مثلا: همین "رسانه های گروهی" و لغاتی چون: روند، آرتش، و اخیرا لغاتی چون: گفتمان؛ رویکرد، رایانه، پایانه؛ چرخبال، نرم افزار... بطوریکه بنده با داشتن 20 سال سابقه تدریس از جمله زبان فارسی در ایران و گذراندن تحصیلات دانشگاهی، چون حدود سی سال خارج از ایران بسر می برم، در فهمیدن درست این لغات تازه وارد مشکل

دارم. البته این کاری مثبت و سازنده است، و هر ملتی که حکومت و دولت ملی خود را دارد باید انجام دهد، اما نه به بهای نابودی دیگر زبانها.

اما لبه دیگر این شمشیر "کناپچه ی نام" خیلی خطرناک است. یعنی اگر کمیته ای با هدفهای شوونیستی و نژاد پرستانه، و با فرهنگ "مرگ خوبه اما برای همسایه" تشکیل گردد. و هدف این باشد که بجای ثبت کلیه نامهای موجود و حتی فراموش شده و ایجاد نامهای جدید و زیباتر جهت پیشنهاد به مردم، دفترچه ای تنظیم گردد و این دفترچه به شمشیری تبدیل شود که هرچه غیر از خود را سر ببرد، این امر خیانت جبران ناپذیری خواهد بود به فرهنگ و زبان ترکمنی.

8- البته من در اینجا از قرانن و شواهد و تکیه بر اظهارات آقای قلیشلی و همکارانش، از احتمال پیش آمدن خطرات صحبت می کنم و قصد پراکندن بدبینی و سوء ظن ندارم. منظورم اینست که نمی خواهم و نباید مثل برخی از همشهریان خارج از کشور بلافاصله با راه انداختن به به و چه چه، خود و دیگران را خام کرده باشم. چون معتقدم که برخورد انتقادی به هر مسئله، به سیر درستر، مفیدتر و حداقل کم ضررتر امور کمک خواهد کرد.

9- به هر تقدیر، اگر تنظیم دفترچه حکومتگر آغاز شده و آش کشک خاله در حال پخته شدن است، از کلیه عزیزانی که در تنظیم آن اجازه شرکت و اظهار نظر داده می شوند خواهشمندم سعی کنند هرچه بیشتر از اسامی اصیل ترکمنی و بویژه آنهایی که بر اثر اعمال سیاهیهای شوونیستی و تنگ نظرانه حکومتها در حال فراموشی می باشند، وارد این دفترچه کنند که خدمت بزرگی خواهد بود به زبان و فرهنگ ملتمان. باید بدانیم که ما امروزه معانی بسیاری از نامهای اصیل و قدیمی اشخاص و نیز نامهای جغرافیایی را فراموش کرده ایم و این هرگز دلیل بی معنی بودن آنها نیست، بر عکس بدلیل ناآگاهی ما نسبت به زبان، فرهنگ و تاریخ حقیقی مان میباشد. لذا اینگونه نامها را باید بدون سختگیری و سنجیدن با ترازوی ذهنی ناقص خودمان وارد لیست کنیم. نکته مهم در این رابطه اینست که هرگز نباید کلمات ترکمنی را با قرینه سازی با لغات بیگانه مسخ و بی هویت کنیم. مثلاً "اسن" ربطی به "حسن"، "سویون" ربطی به "حسین"، "ماتی یا میتدی" ربطی به "مهدی"، "هوممی" ربطی به "محمد" و "بورقاز" ربطی به "پورقاز یا پورقازی" ندارد. اینها کلماتی بسیار قدیمی بوده، اگرچه معنی برخی از آنها را امروز نمیدانیم، باید بهمین شکل بمانند تا از سوی زبانشناسان و محققین در عرصه تاریخ و فرهنگ ملتمان روشن گردد. زیرا همانگونه که در بالا اشاره کردم، اینگونه واژه ها منبع ذیقیمی برای زبانشناسان و اتنوگرافها (قوم شناسان) در شناختن تاریخ و غنا بخشیدن به زبان و فرهنگ هر ملتی است. همانگونه که متخصصین قوم حاکم فارس طی صدسال گذشته گامهای بزرگی در این راه برداشته اند.

البته به برکت وجود جمهوری ترکمنستان سوسیالیستی سابق و ترکمنستان مستقل امروزی کلیه نامهای شخصی و جغرافیایی ترکمنی و فولکلور غنی و زیبای مان ثبت و ضبط شده و از خطر نابودی نجات یافته است، که می توان در هر شرایط مساعد از آن بهره گرفت. اما ترکمنصحرا نیز ویژگیهای خود را دارد و باید حفظ شود.

10- دو پیشنهاد:

یکم: من به سهم خود، از یکی دوسال پیش، آغاز به ثبت و ضبط نامهای قدیمی کرده ام که در ایران با خطر نابودی روبرو است. از کلیه خواهران و برادران ترکمن خواهشمندم با مراجعه مداوم به حافظه خود و نیز پرسش از سالمندان آشنایشان، اگر تاکنون انجام نداده اند به ثبت اینگونه نامها مخصوصاً درکامپی و تراهای خود آغاز کنند. درفاصله زمانهای معینی همه آنها را از طریق امکانات اینترنتی جمع آوری و مورد بررسی قرار دهیم و نیز با بهره گیری از آثار محققین محترمی چون "قربان صحت بدخشان" در این عرصه، لیست هرچه مفصلتری را از طریق اینترنتی در دسترس مردمان قرار دهیم و نسخه ای را نیز به ادارات ثبت احوال شهرهای ترکمنصحرا ارسال داریم تا مورد استفاده قرار دهند.

دوم: ملت ترکمن در تمام طول تاریخ، جهت حفظ هویت خود و دفاع در مقابل هجوم فرهنگهای بیگانه، ابتکارات مختلفی خلق کرده است. مثلاً، یکی از این ابتکارات حلقه زدن بدور باخشیها و حمایت بیدریغ از آنان هم از سوی توده مردم و هم از سوی خانها، ثروتمندان و یاشولی های ترکمن، که جادارد در این مورد مقالات ویژه ای نوشته شود. در مورد حفظ نامهای اصیل ترکمنی نیز، پس از گرایش به دین اسلام و تهدید شدن آن از سوی اسامی سامی، ابتکار ترویج نامهای غیر رسمی و خانوادگی در کنار نامهای رسمی و تحمیلی را آفریدند. مثلاً اسم رسمی پدر مرحوم من در شناسنامه اش "قربان محمد" و اسم غیر رسمی او "مله" (رنگ زرد روشن، گندمگون. استفاده از نام رنگها برای اشخاص در ترکمنها و دیگر ملتها از قدیم معمول بود. در فارسی نیز سیامک و سپیده از اینگونه نامهاست) بود. اما همه کس او را به نام "مله" می شناختند و کمتر کسی از اقوام و آشنایان از نام رسمی وی اطلاع داشتند. چنین

مواردی در بین مردم کم نبود و معمولاً در کنار اسامی شناسنامه ای ثقیل رسمی، اسم قدیمی و مطلوبتر برای ترکمنها را نیز داشتند. من بر اساس فرهنگ ملی مان اسم اولین فرزندم را عینا، در شناسنامه "قربان محمد" و بطور غیر رسمی نیز "مله" گذاشتم. جالب است که او را نیز اقوام و آشنایان چه در ایران و چه در خارج به نام "مله" می شناسند.

پیشنهاد من اینست که این رسم را احیا و ادامه دهیم و در کنار اسامی بیگانه و تحمیلی نامهای ساده و زیبای ترکمنی را بطور مداوم بکار ببریم. طبعاً مردم ما از این امر پشتیبانی خواهند کرد و بدین وسیله نیز می توان از فراموشی اسامی ملی و تاریخی مان جلوگیری کرد. همانگونه که در مورد نامهای جغرافیایی مان نیز مردم ما بجای اسامی تحمیلی چون کمیشان، پنج پیکر، سیمین شهر، اسامی تاریخی و ترکمنی آنها: کموش دغه، باش یوسغا، قارقوی و اومچالی را بکار می برند.

ب. گری، اکتبر 2010

* لازم به یادآوری است که پس از رسمیت داده شدن به این به اصطلاح "کتابچه نامهای ترکمنی" مردم ترکمن در ایران از گذاشتن حدود یکچهارم نامهای اصیل ترکمنی برای جگرگوشگان دخترشان محروم شده اند! یعنی گذاشتن نام "بی بی" و دیگر نامهایی که در ترکیبشان کلمه بی بی موجود باشد (ارازبی بی، بی بی گول، گول جمال، گولجان، آنا بی بی، بایرام بی بی ...) قدغن شده است و کسی حق ندارد نام مادر، مادر بزرگ و یا خواهر متوفی خودش را برای فرزندان انتخاب کند! که در فرهنگ ملی ما اهمیت ویژه ای دارد و در حقیقت زنده کردن یاد و خاطره عزیزان از دست رفته شان و درعین حال وسیله مهمی برای حفظ فرهنگ ملی و کلمات اصیل ترکمنی میباشد. طبعاً در انتخاب خیلی از نامهای محبوبشان نیز وضعیت چنین است و چاره ای جز کشیدن درد حسرت ندارند.

آیا برخی ترکمنهای جاهل و پیرمدعی خارج نشین که صرفاً برای شهرت طلبی و ثبت نام و انداختن عکس در سایتهای انترنتی، به تعریف و تمجید از اقدام هدف دار و ضد فرهنگی فوق پرداختند، امروز عذاب وجدانی می کشند؟